

## رسانه‌های جمعی و نظم اجتماعی (مطالعه تطبیقی شهرهای تهران، لندن و بمبئی)

دکتر محمد مهدی لبیبی\*

### چکیده

رسانه‌های جمعی، نقش مهم و تأثیرگذاری بر رفتار شهروندان دارند، در اکثر کشورهای دنیا، رسانه‌ها به آموزش و ارتقای سطح آگاهی شهروندان نسبت به موضوع‌های مختلف و مرتبط با زندگی روزمره می‌پردازند. در این مقاله، برای درک میزان و چگونگی تأثیر رسانه‌های جمعی بر نظم اجتماعی، ابتدا مؤلفه‌های نظم اجتماعی در جوامع، با فراتحلیل مطالعات پیشین استخراج شده و سپس از طریق آزمون‌های آماری، اعتبار گویه‌های پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. در نهایت متغیرهای تأثیرگذار بر نظم اجتماعی در سطح خرد که به طور عمده بر رفتار کنشگران در جامعه مربوط می‌شود، مشخص شده است. مطالعه تطبیقی سه شهر تهران، لندن و بمبئی در این زمینه نشان‌دهنده شباهت‌ها و تفاوت‌هایی است که نتایج آن می‌تواند مورد استفاده برنامه‌سازان حوزه رسانه قرار گیرد.

کلید واژه: احساس بی‌عدالتی، احساس ناامنی، التزام به قانون، باورهای اخلاقی و دینی، رسانه‌های جمعی، نظم اجتماعی

## مقدمه

نظم اجتماعی<sup>۱</sup> را می‌توان از مهم‌ترین مسائل و موضوع‌های مورد بحث در جامعه و به تبع آن، از کانونی‌ترین مباحث جامعه‌شناسی دانست به طوری که می‌توان تمامی دیدگاه‌ها و نظریه‌های جامعه‌شناسی را به دو مکتب نظم و تضاد تقسیم کرد.

مسئله نظم اجتماعی از این واقعیت ناشی می‌شود که اصولاً هر جامعه‌ای، برای بقا، دوام و پیشرفت خود نیازمند حداقلی از نظم اجتماعی است و بدون آن دچار اختلال می‌شود و تا مرز فروپاشی پیش می‌رود.

این عقیده وجود دارد که چون جوامع پیشرفته به توسعه اقتصادی دست یافته‌اند و افراد در این جوامع از مرز نیازهای اولیه زندگی عبور کرده‌اند و به دنبال ارتقای سطح کیفی زندگی خود و تعالی بخشیدن به آن هستند، نوعی اعتماد جمعی در آنها شکل گرفته که باعث ایجاد پیوندی گسترده و عمیق در بین آحاد جامعه می‌شود و آنها را در دستیابی به اهداف جمعی یاری می‌رساند، در حالی که در جوامع کمتر توسعه‌یافته، دلایل مختلفی برای بی‌اعتمادی به دیگران وجود دارد و همین موضوع، باعث تضعیف احساس رابطه با دیگران می‌شود و نوعی فردگرایی خودخواهانه را ایجاد می‌کند که در نهایت، بر شکل‌گیری و تداوم نظم اجتماعی اثری نامطلوب بر جای می‌گذارد. عوامل مهمی می‌توانند بر شکل‌گیری یا اختلال در نظم اجتماعی مؤثر واقع شوند، این عوامل در سه سطح کلان، میانی و خرد قابل مطالعه هستند، رسانه‌های جمعی از یک سو، از طریق تأثیر گذاشتن بر افکار عمومی جامعه و ارتقا سطح آگاهی‌های عمومی و از سوی دیگر از طریق الگوسازی می‌توانند بر چگونگی رفتار شهروندان تأثیر بگذارند، اما میزان این تأثیرگذاری خود تحت تأثیر عوامل متعدد دیگری است به طوری که شکل‌گیری نظم اجتماعی در جوامعی که همانندی بین اعضای آن وجود دارد، با سهولت بیشتری صورت می‌گیرد، زیرا در این جوامع، افراد درک به نسبت مشابه و فهم مشترکی از شرایط موجود دارند در حالی که به هر میزان که تنوع و تکثر عقاید، باورها و ارزش‌ها در جامعه بیشتر باشد، دستیابی به نظم اجتماعی دشوارتر و تا حدی پیچیده‌تر خواهد بود. در این مقاله، منظور از نظم اجتماعی به طور عمده نظم انسجامی<sup>۲</sup> است که معرف

1. social order

2. integrative order

گونه‌ای از نظم است که در آن، با حفظ تفاوت‌ها و تمایزها نوعی انسجام و همبستگی جمعی برای دستیابی به اهداف مشترک بر پایه خرد جمعی و همکاری بین افراد در فضایی عقلانی و منطقی شکل می‌گیرد، در حالی که در شکل دیگر نظم اجتماعی، یعنی نظم انتظامی<sup>۱</sup> تأکید بر قدرت و حاکمیت است و گونه‌ای از نظم که از طریق اعمال زور از سوی نهادهای سیاسی اعمال می‌شود، آن را به وجود می‌آورد. در این نوع نظم که می‌توان آن را نظم از بالا نامید، پذیرش درونی وجود ندارد یا میزان آن بسیار اندک است در حالی که نظم انسجامی بر پایه مشارکت و حضور فعال مردم در عرصه‌های گوناگون استوار شده است.

### سطوح تحلیل نظم اجتماعی

نظم اجتماعی را می‌توان در سه سطح تحلیلی کلان، میانی و خرد تحلیل کرد. در هر یک از این سطوح، عوامل متعددی بر شکل‌گیری یا اختلال در نظم اجتماعی مؤثر واقع می‌شوند.

در برخی از جوامع، شرایط و عوامل سطح کلان، مانند ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، زمینه مساعد را برای تولید و رشد سرمایه اجتماعی جدید<sup>۲</sup> فراهم نمی‌سازند، به همین دلیل نظم اجتماعی تحت تأثیر سایر خرده نظام‌های مرتبط با نظام (اقتصادی و سیاسی) قرار می‌گیرد. نتیجه این وضعیت، توسعه نامتوازن است که خود عامل مهمی در شکل نگرفتن نظم با ثبات اجتماعی است.

در سطح میانی نیز نظم اجتماعی با موانع خاصی روبه‌رو است چرا که اجتماعات کوچک، غیر رسمی و محلی (مانند خانواده، قبیله و قوم) بر اجتماعات فرامحلی نظیر نهادهای مدنی نوین و سازمان‌های غیر دولتی غلبه دارند، این پدیده باعث می‌شود سرمایه اجتماعی نوین که لازمه شکل‌گیری نظم اجتماعی است، تکوین نیابد و اختلال در جایگزینی سرمایه اجتماعی جدید به جای سرمایه اجتماعی قدیم با ایجاد حالتی از آنومی در جامعه، آسیب‌های اجتماعی را دامن بزند که تمامی این عوامل به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در ایجاد اختلال در فرایند نظم اجتماعی نقش مؤثری دارند.

1. regulative order

2. new social capital

نظم اجتماعی در سطح خرد به ویژگی‌های فردی، مانند باورها، ارزش‌ها (تعهد، مسئولیت‌پذیری، اعتماد، التزام به قانون و مانند آن) مربوط می‌شود و به هر میزان که این ویژگی‌ها در تناسب با ارزش‌ها و باورهای عام قرار گیرند، اثربخشی بیشتری در فرایند نظم اجتماعی جامعه خواهند داشت.

از آنجا که تحلیل عوامل مؤثر بر نظم اجتماعی در تمامی سطوح، در برگیرنده متغیرهای زیادی است که در عمل، تعیین نقش هر یک از آنها و میزان تأثیری که بر جای می‌گذارند، ناممکن است، سعی بر این بوده است که با بررسی و مطالعه منابع تجربی و پژوهش‌های میدانی انجام شده در شهرها، عوامل عمده سطح خرد که می‌توانند بر نظم اجتماعی تأثیرگذار باشند، مشخص شوند.

این موضوع، بویژه در شهرهای امروزی اهمیت زیادی پیدا می‌کند چرا که «شهرهای امروزی به مهم‌ترین بخش توسعه ملی هر کشور بدل شده‌اند و تردیدی نیست که شهرنشینی خود موجب ارتقای استانداردهای زندگی برای بخش مهمی از مردم دنیا می‌شود» (شیخی، ۱۳۸۹، ص ۷۸). بنابراین با ارتقای سطح نظم انسجامی در جامعه می‌توان شاهد ارتقای کیفی برخی از جنبه‌های زندگی در این شهرها نیز بود.

### مروری بر پژوهش‌های پیشین

در مقاله حاضر، ابتدا دیدگاه‌های مرتبط با نظم اجتماعی در پژوهش‌های خارجی و سپس نتایج پژوهش‌های انجام شده داخلی در مورد نظم اجتماعی بررسی خواهد شد.

#### نتایج پژوهش‌های انجام شده در غرب با توجه به تأثیر رسانه‌های جمعی بر نظم اجتماعی

در زمینه نقش و تأثیر رسانه‌ها بر نظم اجتماعی مطالعات متعددی در غرب انجام شده است. نتایج پژوهش شه<sup>۱</sup> (۱۹۹۸) نشان می‌دهد، رابطه رسانه‌های جمعی با اعتماد اجتماعی یک رابطه چند وجهی است، به این معنی که نتایج بر اساس نوع رسانه، نوع برنامه و نیز ویژگی‌های فردی و نگرشی مخاطبان متفاوت است. در برخی موارد، استفاده از رسانه‌های جمعی (تماشای برنامه‌های خبری، علمی و یا سریال‌های

تلویزیونی و روزنامه خواندن) با اعتماد اجتماعی رابطه دارد، اما در موارد دیگر (برنامه‌های مستند و ترسناک) وجود این رابطه تأیید نشده است.

نتایج دیگر پژوهش‌ها، بر تأثیر رسانه‌های جمعی بر نظم اجتماعی از طریق ایجاد اعتماد عمومی تأکید دارند و نشان می‌دهند که رسانه‌های جمعی می‌توانند اعتماد اجتماعی اعضا جامعه را تحت تأثیر قرار دهند. جیمز کلمن<sup>۱</sup> از جمله افرادی است که به تأثیر رسانه‌های جمعی بر اعتماد اجتماعی اعتقاد دارد. از نظر او کنشگران، افراد عاقلی هستند که بر مبنای محاسبه سود و زیان حاصل از کنش، به یک انتخاب عقلانی دست می‌زنند و اعتماد کردن مستلزم ارزیابی موقعیت کنش و میزان سود و زیان حاصل از اعتماد و بی‌اعتمادی است. این ارزیابی همواره مبتنی بر مجموعه‌ای از اطلاعات است؛ زیرا اطلاعات می‌تواند برآورد ما را از احتمال منفعت به بالاتر از نقطه بحرانی برساند (ترجمه صبوری کاشانی، ۱۳۷۷، صص ۱۶۳-۱۵۷).

رابطه رسانه‌های جمعی با اعتماد اجتماعی در اندیشه گیدنز به شکل پیچیده‌تری ترسیم شده است. گیدنز<sup>۲</sup> اعتماد و عوامل مؤثر بر آن را در دو جامعه سنتی و مدرن، بررسی و مقایسه کرده است. از نظر او، در جامعه مدرن، اعتماد به یک مسئله اجتماعی تبدیل می‌شود. وی معتقد است در جامعه مدرن، مهم‌ترین نوع اعتماد، اعتماد به نهادهای انتزاعی یعنی نشانه‌های نمادین و نظام‌های تخصصی است. منظور از نظام‌های تخصصی، نظام‌هایی است که حوزه وسیعی از محیط مادی و اجتماعی زندگی کنونی ما را سازمان می‌دهند. بیشتر افراد غیرمتخصص با متخصصانی چون وکیل‌ها، معماران و پزشکان، تنها در یک دوره معین به شیوه‌ای نامنظم مشورت می‌کنند، اما نظام‌هایی که دانش متخصصان را یکپارچه می‌سازند، به طور مداوم، بر بسیاری از ابعاد رفتار ما تأثیر می‌گذارند (ترجمه ثلاثی، ۱۳۸۳، صص ۳۳-۳۴).

مک کوئیل<sup>۳</sup> معتقد است پیدا کردن بینش درباره اوضاع و احوال دیگران، همدلی اجتماعی، همذات‌پنداری با دیگران، کسب احساس تعلق، یافتن مبنایی برای گفتگو، تعامل اجتماعی، پر کردن جای یک همراه واقعی در زندگی، کمک به اجرای نقش‌های اجتماعی و توانا ساختن فرد به ایجاد پیوند با خانواده، دوستان و جامعه، از خدماتی

1. Coleman

2. Giddens

3. McQuail

است که رسانه‌ها ارائه می‌دهند و از آن طریق می‌توانند همبستگی اجتماعی را تحکیم کنند (ترجمه اجلالی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۲).

به این ترتیب، رسانه‌های ارتباط جمعی از طریق کاهش انزوای اجتماعی و تقویت احساس مشترک با اعضای جامعه، موجب نوعی احساس تعلق می‌شوند، به طوری که هویت جامعه‌ای در رأس سایر هویت‌ها قرار می‌گیرند، در نتیجه تعهد عمومی تقویت می‌شود و این نیز به دنبال خود افزایش اعتماد اجتماعی در جامعه را در پی می‌آورد (چلبی، ۱۳۷۵، ص ۱۴۰).

#### نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در ایران با توجه به تأثیر رسانه‌ها بر نظم اجتماعی

در ایران نیز در بسیاری از پژوهش‌های نظم اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفته است. عبداللهی و مروت (۱۳۸۴) در پژوهش خود بر این باورند که رسانه‌های جمعی از طریق ایجاد همبستگی بین آحاد جامعه بر شکل‌گیری نظم اجتماعی مؤثر واقع می‌شوند. فکوهی (۱۳۸۸) در پژوهش خود با عنوان «تقویت اخلاق شهروندی، راهی برای گذار به مردم‌سالاری مشارکتی» معتقد است ایجاد اخلاق شهروندی نمی‌تواند از صفر شروع شود؛ هر چقدر پشتوانه‌های اخلاقی قوی‌تری وجود داشته باشد، امکان گسترش یافتن این نوع اخلاق بیشتر می‌شود. فکوهی دین، سنت، تنوع قومی و زبانی، اخلاق مدنی و اخلاق سیاسی را در رفتار شهروندی مؤثر می‌داند. همچنین معتقد است، رسانه‌های جمعی در تحکیم فرایند جامعه‌پذیری نقش مهمی دارند و با استفاده از ویژگی‌های دینی، ملی و تنوع قومی و زبانی بر انسجام و نظم اجتماعی مؤثر واقع می‌شوند. ربانی (۱۳۸۸) در پژوهش خود، به این نکته اشاره می‌کند که خاص‌گرایی یکی از عوامل کلیدی تضادهای اجتماعی است و این ویژگی به جای کارکرد مثبت و وحدت‌بخش دارای کارکرد منفی و تعارض‌آفرین در فرایند توسعه‌ی پایدار و متوازن است. رسانه‌های جمعی می‌توانند با ارتقای سطح تعامل برون‌گروهی شهروندان موجبات تقویت پذیرش ملاک‌های عام را فراهم آورند.

ملایی توانی (۱۳۸۱) در کتاب خود اشاره می‌کند که شکل‌گیری نظم، نیازمند فراهم آمدن مقدمات، بسترهای فرهنگی مناسب، ایجاد و تقویت نهادهای مدنی و برقراری ارتباط با دنیای بیرونی است و باورهای اخلاقی و مشارکت اجتماعی نقش مهمی در

شکل‌گیری نظم اجتماعی دارند و رسانه‌های جمعی از طریق تقویت باورهای اخلاقی در این زمینه مؤثر واقع می‌شوند.

چلبی و رسول‌زاده (۱۳۸۱) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافته‌اند که نظم در سطح خرد را باید ابتدا درون خانواده جستجو کرد، هرگاه در خانواده، چهار عامل همدلی، همگامی، همفکری و همبختی وجود داشته باشد، زمینه‌های بزهکاری نوجوانان از میان خواهد رفت و جامعه با سطحی از نظم اجتماعی قابل قبول روبه‌رو خواهد شد. در این پژوهش رسانه‌های جمعی از طریق تأثیرگذاری بر خانواده، بر نظم اجتماعی مؤثر واقع می‌شوند.

بیات (۱۳۸۳) به این نکته اشاره می‌کند که پابندی به اخلاق، تا حد زیادی وابسته به عام‌گرایی، تعهد عام، اعتماد عام و کنش عقلانی است. افراد هر چه بیشتر بر اساس معیارهای فراگیر، عام و غیر شخصی عمل کنند و ضوابط را بر روابط ترجیح دهند، پابندی بیشتری به ارزش‌های اخلاقی خواهند داشت و هر چه احساس تعهد و مسئولیت فرد از دایره دوستان و خویشان فراتر رود، اخلاقی‌تر عمل خواهد کرد. در این پژوهش باورهای اخلاقی و مشارکت اجتماعی از اصلی‌ترین عوامل مؤثر بر نظم اجتماعی قلمداد می‌شوند. به این ترتیب، در صورتی که رسانه‌های جمعی بتوانند انگیزه لازم را برای مشارکت اجتماعی فراهم کنند، نقش مهمی در شکل‌گیری نظم اجتماعی در جامعه خواهند داشت.

### جمع‌بندی نتایج پژوهش‌ها

جمع‌بندی نتایج پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد، رسانه‌های جمعی از طریق شش عامل بر نظم اجتماعی مؤثر واقع می‌شوند؛ این عوامل عبارتند از: میزان احساس بی‌عدالتی، میزان احساس ناامنی، میزان مشارکت اجتماعی، میزان خانواده‌گرایی، شدت باورهای دینی، شدت باورهای اخلاقی.

درواقع، رسانه‌های جمعی می‌توانند در جهت تحکیم یا تضعیف این عوامل شش‌گانه، بر نظم اجتماعی مؤثر واقع شوند. در یک نگاه، اگر چه رسانه‌های جمعی، خود تحت تأثیر ساختارهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه هستند، به صورتی مشخص، از طریق این عوامل نقش مهمی ایفا می‌کنند. بنابراین، در برنامه‌سازی

رسانه‌های جمعی لازم است این شش عامل، به شکلی دقیق و کارشناسانه مورد توجه قرار گیرند.

### تعاریف نظری

**احساس بی عدالتی.** باوری است که بر رفتار افراد (شهروندان) مؤثر واقع می‌شود و به عنوان یک عامل توجیه‌کننده، تخطی از قوانین موجود را مجاز می‌شمرد (نبی‌زاده، ۱۳۸۴). احساس بی عدالتی می‌تواند فراتر از بی عدالتی به معنی واقعی آن باشد و تا حد زیادی به مشاهدات و ادراک شخصی افراد از مفهوم عدالت مربوط می‌شود (عریضی، ۱۳۸۹).

**مشارکت اجتماعی.** به معنی حضور مؤثر و فعال افراد در تعاملات اجتماعی برون گروهی در سطح جامعه است (ظفری، ۱۳۹۰). مشارکت اجتماعی، حاصل مسئولیت‌پذیری، نوع دوستی و در عین حال اعتقاد به پیشرفت از طریق همراهی با جمع و تأثیرگذاری بر آن است (مظلوم خراسانی، ۱۳۹۰).

**باورهای اخلاقی.** ارزش‌های جهان‌شمولی هستند که بر قواعد زندگی جمعی و بر تعاملات روزمره افراد با یکدیگر حاکمند (ایمان، ۱۳۹۰)، ارزش‌هایی مانند صداقت، وفای به عهد، امانتداری و نوع دوستی در این مجموعه قرار می‌گیرند (پوراسماعیلی، ۱۳۹۰).

**احساس ناامنی.** حالتی که در آن، فرد از ثبات لازم برای انجام امور زندگی روزمره برخوردار نیست و نسبت به آینده و اتفاقات و وقایع محتمل آن، نوعی بدبینی دارد (صارمی، ۱۳۸۹). احساس ناامنی می‌تواند متفاوت از ناامنی که به معنی واقعی باشد، در برگیرنده احساس ناخوشایندی از ترس توأم با نگرانی است (چلبی، ۱۳۸۷).

**خانواده‌گرایی.** باوری که باعث می‌شود فرد منافع خانواده خود را در تمامی امور بر منافع جمعی ترجیح دهد (بیات، ۱۳۸۳). خانواده‌گرایی، حدفاصل فردگرایی و جمع‌گرایی است و می‌توان آن را نوعی جمع‌گرایی تعمیم‌نیافته محسوب کرد (کاشی، ۱۳۸۴).

**باورهای دینی.** نوعی از تعامل بین فردی و گروهی است که موجب انسجام و هماهنگی پیروان یک مذهب یا باور دینی خاص می‌شود (حییبی، ۱۳۸۹). اما شکل افراطی آن که توأم با تعصب دینی است، می‌تواند نقش مخربی در نظم اجتماعی ایفا کند (سراج‌زاده، ۱۳۸۳).

**رسانه‌های جمعی.** در این مقاله، مقصود از رسانه‌های جمعی، صرف رادیو و



تلویزیون است و محتوای برنامه‌های این دو رسانه، در ارتباط با شش متغیر ذکر شده می‌باشد. به عبارت دیگر، سهم کلی این موضوع‌های از مجموع برنامه‌های رسانه‌ها، نشان دهنده میزان تأثیرگذاری رسانه‌ها در این زمینه خواهد بود.

### روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش، تأثیر رسانه‌های جمعی بر نظم اجتماعی، در سه شهر تهران، لندن و بمبئی به صورت تطبیقی مورد مطالعه قرار گرفته است. به طور خلاصه، روش تطبیقی را که مبتنی بر مقایسه برای فهم مشابهت‌ها و تفاوت‌هاست، می‌توان آن را یکی از با سابقه‌ترین روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی دانست.

مطالعه تطبیقی به دو شیوه درونی<sup>۱</sup> و بیرونی<sup>۲</sup> صورت می‌گیرد. مقاله حاضر به روش مطالعه تطبیقی بیرونی انجام می‌گیرد. به این ترتیب که تغییرات چند واقعیت متفاوت و در عین حال مرتبط به هم، طی یک زمان واحد در چند جامعه مطالعه می‌شود.

در پژوهش حاضر، سعی بر این است که مقایسه‌ای بین وضعیت نظم اجتماعی در شهرهای مختلف صورت بگیرد و برای این منظور، کلان‌شهر تهران با دو کلان‌شهر دیگر که تا حدی دارای ویژگی‌های مشابه و مشترک هستند، مقایسه شده است. منطقی است که تهران با شهری از کشورهای در حال توسعه و شهری از کشورهای توسعه یافته مقایسه شود تا تفاوت‌های موجود بهتر شناخته شود. انتخاب لندن و بمبئی از نظر میزان جمعیت و تنوع قومی و مذهبی نیز حایز اهمیت است زیرا هر دو شهر مانند تهران از شهرهای مهاجرپذیر محسوب می‌شوند و در عین حال در بسیاری زمینه‌ها با مشکلاتی مشابه تهران (آلودگی هوا، ترافیک سنگین و ...) روبه‌رو هستند. سرانجام اینکه جمع‌آوری اطلاعات در این دو شهر با توجه به اینکه هر دو از مراکز مهم دانشگاهی و علمی محسوب می‌شوند، اهمیت خاصی دارد.

جامعه آماری پژوهش شامل ۷۵۰ نفر است که به طور مساوی و از طریق نمونه‌گیری تصادفی در هر یک از این سه شهر انتخاب شده‌اند. برای کاهش ضریب خطا در انتخاب نمونه، ابتدا جمعیت ساکن در هر یک از این شهرها، به خوشه‌های متفاوت تقسیم و از هر خوشه تعداد مناسبی انتخاب شده است. همچنین برای تعیین

1. internal comparison

2. external comparison

قابلیت اعتماد ابزار سنجش (طیف‌ها) مورد استفاده در پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است.

میزان آلفای کرونباخ به دست آمده برای همه شاخص‌های پژوهش (میزان احساس بی‌عدالتی، میزان احساس ناامنی، میزان مشارکت اجتماعی، میزان خانواده‌گرایی، شدت باورهای دینی و شدت باورهای اخلاقی) بزرگ‌تر از ۰.۷۰ درصد و قابل قبول است که موضوع نشان‌دهنده همبستگی درونی بین متغیرها برای سنجش شاخص‌های مورد نظر است، به این ترتیب می‌توان گفت، پژوهش از قابلیت اعتماد یا پایایی لازم برخوردار است. برای تعیین اعتبار سازه‌ای ابزار اندازه‌گیری نیز از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شده است.

### آزمون فرضیه‌های پژوهش

به منظور آزمون فرضیه‌ها، از آزمون‌های پارامتریک استفاده شده و ابتدا نرمال بودن داده‌های متغیر وابسته پژوهش مورد تأیید قرار گرفته است.

### بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها

به منظور بررسی نرمال بودن توزیع داده‌های مربوط به متغیرهای پژوهش، از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف استفاده شد که نتایج به دست آمده نشان می‌دهد، همان‌طور که می‌دانیم، در صورتی که سطح معناداری آزمون کولموگروف - اسمیرنوف بیشتر از ۰/۰۵ باشد، می‌توان نتیجه گرفت سطح معناداری همه متغیرهای پژوهش، بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است. پس می‌توان گفت توزیع داده‌های مربوط به متغیرها، تفاوت معناداری با توزیع نرمال ندارد.

فرضیه اول. به هر میزان احساس بی‌عدالتی در افراد بیشتر باشد، گرایش آنان به نظم انسجامی کمتر است.

طبق یافته‌های جدول و بر اساس ضریب پیرسون به دست آمده از آزمون همبستگی، می‌توان گفت که در کل، بین احساس بی‌عدالتی و گرایش به نظم انسجامی رابطه معکوس، با شدت متوسط ( $r = -0/450$ ) برقرار است. به عبارت دیگر، هر چه

میزان احساس بی‌عدالتی بیشتر می‌شود، گرایش به نظم انسجامی، با شدت متوسطی کاهش می‌یابد.

وضعیت هر یک از این سه شهر در خصوص این فرضیه و مقایسه بین آنها نشان می‌دهد که نتایج پژوهش در شهر تهران در راستای تأیید فرضیه بوده اما در شهر بمبئی، برخلاف فرضیه پژوهش است.

**جدول ۱- ضریب همبستگی بین احساس بی‌عدالتی و گرایش به نظم انسجامی در شهرهای مورد نظر**

میزان همبستگی	شهر
۰/۰۷۸	لندن
۰/۲۵۳**	بمبئی
-۰/۳۹۴**	تهران
-۰/۴۵۰**	کل

\*\* معنادار در سطح ۰/۰۱ (آزمون دو دامنه)، \* معنادار در سطح ۰/۰۵ (آزمون دو دامنه) فرضیه دوم. به هر میزان احساس ناامنی در افراد بیشتر باشد، گرایش آنان به نظم انسجامی کمتر است.

طبق یافته‌های جدول و بر اساس ضریب پیرسون به دست آمده از آزمون همبستگی، می‌توان گفت که نتایج پژوهش در شهر تهران، در جهت تأیید فرضیه و در بمبئی، در جهت خلاف فرضیه بوده است. در لندن نیز رابطه معناداری بین این دو متغیر مشاهده نمی‌شود.

**جدول ۲- ضریب همبستگی بین احساس ناامنی و گرایش به نظم انسجامی در شهرهای مورد نظر**

میزان همبستگی	شهر
۰/۰۸۱	لندن
۰/۲۱۷**	بمبئی
-۰/۵۵۲**	تهران
-۰/۵۷۱**	کل

\*\* معنادار در سطح ۰/۰۱ (آزمون دو دامنه)، \* معنادار در سطح ۰/۰۵ (آزمون دو دامنه)

فرضیه سوم. به هر میزان مشارکت اجتماعی افراد بیشتر باشد، گرایش آنان به نظم انسجامی بیشتر است.

طبق یافته‌های جدول و بر اساس ضریب پیرسون به دست آمده از آزمون همبستگی، می‌توان گفت که در هر سه شهر، فرضیه تحقیق تأیید می‌شود و تفاوت فقط در شدت رابطه همبستگی است. به این نحو که در تهران رابطه دو متغیر قوی‌تر از دو شهر دیگر است. در لندن این رابطه مستقیم و در حد متوسط است و در بمبئی، رابطه مستقیم و ضعیفی بین میزان مشارکت اجتماعی و گرایش به نظم انسجامی وجود دارد.

### جدول ۳- ضریب همبستگی بین مشارکت اجتماعی و گرایش به نظم انسجامی در

#### شهرهای مورد نظر

شهر	میزان همبستگی
لندن	۰/۴۶۷**
بمبئی	۰/۳۳۸**
تهران	۰/۷۰۱**
کل	۰/۵۷۰**

\*\* معنادار در سطح ۰/۰۱ (آزمون دو دامنه)، \* معنادار در سطح ۰/۰۵ (آزمون دو دامنه) فرضیه چهارم. به هر میزان شدت خانواده‌گرایی در افراد کمتر باشد، گرایش آنان به نظم انسجامی بیشتر است.

طبق یافته‌های جدول و بر اساس ضریب پیرسون به دست آمده از آزمون همبستگی، می‌توان گفت که در شهر تهران و لندن، رابطه این دو متغیر در جهت تأیید فرضیه تحقیق و تفاوت فقط در شدت رابطه است. به این ترتیب که در تهران این رابطه قوی و معکوس است ولی در شهر لندن رابطه ضعیف و معکوس بین این دو متغیر برقرار است. در شهر بمبئی نیز رابطه معناداری مشاهده نمی‌شود.

**جدول ۴- ضریب همبستگی بین خانواده‌گرایی و گرایش به نظم انسجامی در**

**شهرهای مورد نظر**

شهر	میزان همبستگی
لندن	۰/۱۶۰**
بمبئی	۰/۰۶۶
تهران	۰/۷۳۱**
کل	۰/۶۶۳**

\*\* معنادار در سطح ۰/۰۱ (آزمون دو دامنه)، \* معنادار در سطح ۰/۰۵ (آزمون دو دامنه) فرضیه پنجم. به هر میزان شدت باورهای دینی در افراد بیشتر باشد، گرایش آنان به نظم انسجامی بیشتر است.

طبق یافته‌های جدول و بر اساس ضریب پیرسون به دست آمده از آزمون همبستگی، می‌توان گفت که در دو شهر بمبئی و تهران، نتایج همبستگی خلاف یکدیگرند، به نحوی که در شهر بمبئی، بنا به فرض پژوهش، هر چقدر شدت باورهای دینی در افراد بیشتر می‌شود، گرایش آنان به نظم انسجامی نیز افزایش می‌یابد و این در حالی است که در تهران، این گرایش معکوس است. در شهر لندن نیز در این مورد، رابطه معناداری مشاهده نمی‌شود.

**جدول ۵- ضریب همبستگی بین باورهای دینی و گرایش به نظم انسجامی در**

**شهرهای مورد نظر**

شهر	میزان همبستگی
لندن	۰/۰۰۷
بمبئی	۰/۷۷۷**
تهران	۰/۵۰۵**
کل	۰/۰۰۷**

\*\* معنادار در سطح ۰/۰۱ (آزمون دو دامنه)، \* معنادار در سطح ۰/۰۵ (آزمون دو دامنه) فرضیه ششم. به هر میزان شدت باورهای اخلاقی در افراد بیشتر باشد، گرایش آنان به نظم انسجامی بیشتر است.

طبق یافته‌های جدول و بر اساس ضریب پیرسون به دست آمده از آزمون

همبستگی، می‌توان گفت قوی‌ترین رابطه این دو متغیر، به ترتیب، در بین پاسخگویان لندن و تهرانی مشاهده می‌شود و در هر دو شهر نیز این رابطه در جهت تأیید فرضیه تحقیق است. در شهر بمبئی که وضعیت متفاوتی با دو شهر لندن و تهران دارد، رابطه‌ای معکوس و در حد ضعیف بین این دو متغیر برقرار است.

#### جدول ۶- ضریب همبستگی بین باورهای اخلاقی و گرایش به نظم انسجامی در

##### شهرهای مورد نظر

شهر	میزان همبستگی
لندن	۰/۵۳۰**
بمبئی	-۰/۳۴۴**
تهران	۰/۵۶۰**
کل	۰/۴۷۷**

\*\* معنادار در سطح ۰/۰۱ (آزمون دو دامنه)، \* معنادار در سطح ۰/۰۵ (آزمون دو دامنه)

#### مفروضات مدل معادلات ساختاری

#### جدول ۷- نتایج حاصل از آزمون کولموگراف - اسمیرنوف برای آزمون نیکویی

##### برازش داده‌ها

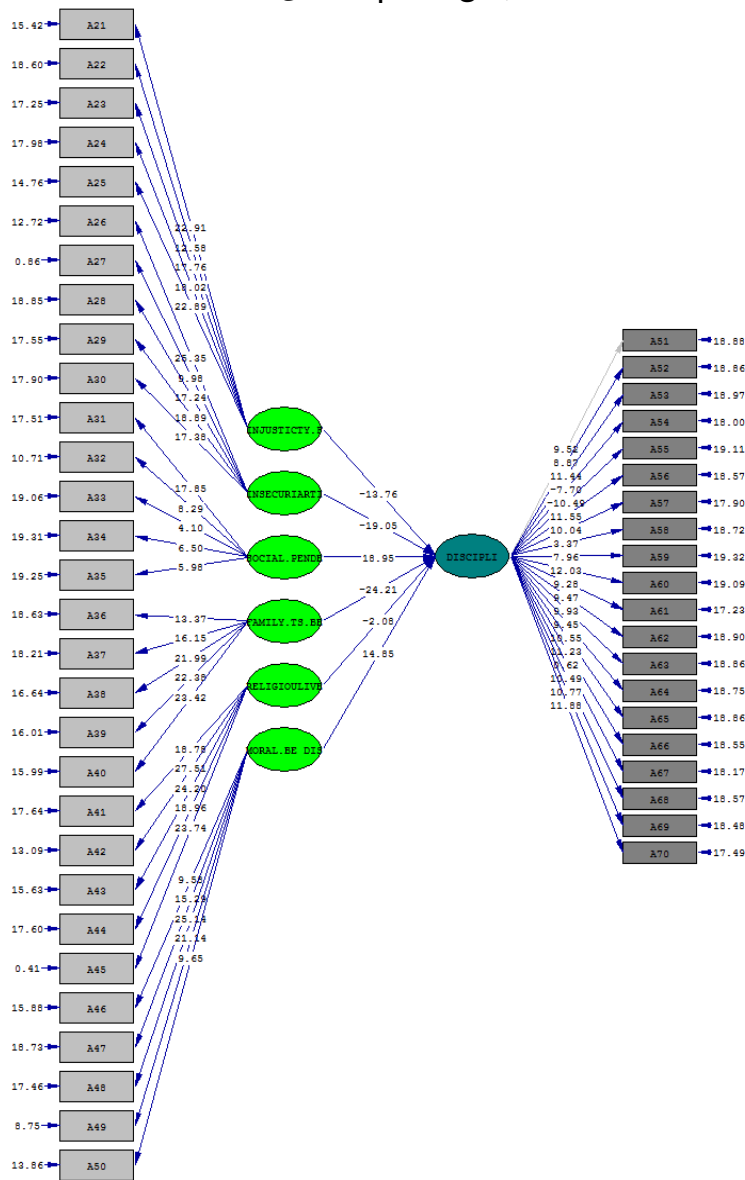
متغیر	میزان احساس بی‌عدالتی	میزان احساس نامنی	میزان مشارکت اجتماعی	میزان خانواده‌گرایی	شدت باورهای دینی	شدت باورهای اخلاقی	میزان گرایش به نظم انسجامی
Z	۱/۶۹۸	۱/۲۸۶	۰/۸۹۴	۱/۳۱۰	۰/۴۸۵	۱/۷۹۹	۱/۲۰۱
سطح معناداری	۰/۰۶۳	۰/۲۳۱	۰/۰۷۱	۰/۰۸۲	۰/۱۲	۰/۰۹۸	۰/۰۸۸

#### مدل پژوهش

مدل مفهومی پژوهش با استفاده از نرم‌افزار لیزرل به آزمون تجربی در آمده است. ضرایب استاندارد شده خروجی لیزرل در نمودار شماره ۱ آمده است علاوه بر خروجی لیزرل ضرایب مسیر برای وضوح بیشتر بر روی مدل مفهومی پژوهش قرار گرفته است.

نمودار ۱- خروجی نرم‌افزار لیزرل در معناداری آزمون رابطه علی میان عوامل مؤثر بر

گرایش به نظم انسجامی



با توجه به مقدارهای معناداری (t-value) جدول به دلیل اینکه در بازه (۱/۹۶ تا ۱/۹۶) قرار نگرفته‌اند، می‌توان گفت تمام رابطه‌های از نوع تأثیر یاد شده معنادار هستند یا به عبارت دیگر، همه عوامل (میزان احساس بی‌عدالتی، میزان احساس ناامنی، میزان مشارکت اجتماعی، میزان خانواده‌گرایی، شدت باورهای دینی و شدت باورهای اخلاقی) از عوامل مؤثر بر میزان گرایش به نظم‌انجامی به شمار می‌روند. همچنین با توجه به مقدار ضرایب استاندارد می‌توان گفت میزان خانواده‌گرایی بیشترین و شدت باورهای دینی کمترین تأثیر را بر میزان گرایش به نظم‌انجامی دارا هستند.

جدول ۸- شاخص‌های برازش مدل<sup>(۱)</sup>

نتیجه	t- value	ضریب استاندارد (β)	مدل اصلی تحقیق
معنادار	-۱۳/۷۶۹	-۰/۴۵۰	میزان احساس بی‌عدالتی ← میزان گرایش به نظم‌انجامی
معنادار	-۱۹/۰۴۵	-۰/۵۷۱	میزان احساس ناامنی ← میزان گرایش به نظم‌انجامی
معنادار	۱۸/۹۵۲	۰/۵۷۰	میزان مشارکت اجتماعی ← میزان گرایش به نظم‌انجامی
معنادار	-۲۴/۲۱۵	-۰/۶۶۳	میزان خانواده‌گرایی ← میزان گرایش به نظم‌انجامی
معنادار	-۲/۱۰	-۰/۰۷۷	شدت باورهای دینی ← میزان گرایش به نظم‌انجامی
معنادار	۱۴/۸۵۲	۰/۴۷۷	شدت باورهای اخلاقی ← میزان گرایش به نظم‌انجامی

ارزش t در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است.

$$\chi^2 = ۲۰۶۶/۲۲$$

$$d.f = ۱۱۵۴$$

$$NFI = ۰/۹۳$$

$$CFI = ۰/۹۲$$

$$AGFI = ۰/۹$$

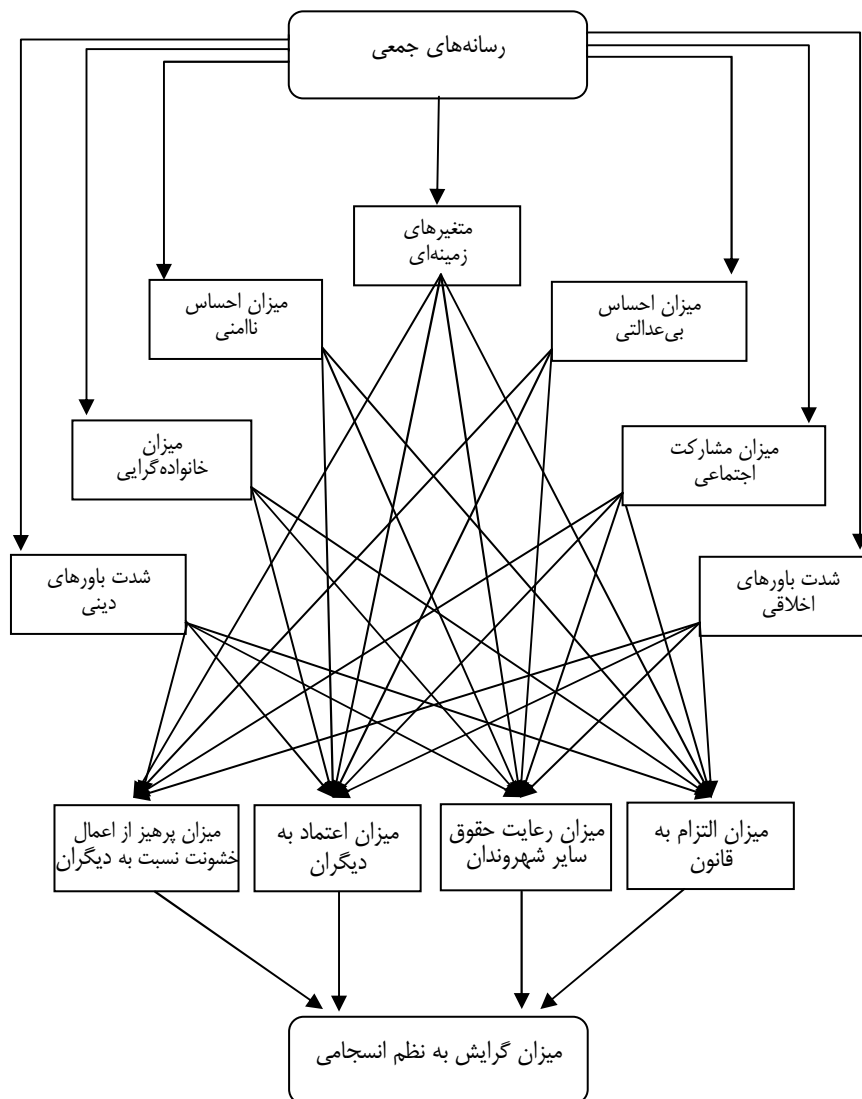
$$GFI = ۰/۹۳$$

$$RMSEA = ۰/۰۵$$

$$RMR = ۰/۰۲۵$$



به این ترتیب، مدل پژوهش را می‌توان بر اساس یافته‌های آن ترسیم کرد:



### نتیجه‌گیری

همان‌طور که در تحلیل یافته‌های آماری نشان داده شد، شش متغیر میزان احساس بی‌عدالتی، میزان احساس ناامنی، میزان مشارکت اجتماعی، میزان خانواده‌گرایی، شدت باورهای دینی و شدت باورهای اخلاقی با نظم انسجامی رابطه معناداری دارند، در واقع،

این متغیرها می‌توانند بر ثبات یا ناپایداری نظم اجتماعی اثر بگذارند و به صورت واسطه‌ای نیز از طریق شاخص‌هایی چون میزان التزام به قانون، میزان رعایت حقوق سایر شهروندان، میزان اعتماد به دیگران و میزان پرهیز اعمال خشونت نسبت به دیگران بر نظم اجتماعی مؤثر واقع شوند. به این ترتیب، می‌توان گفت که رسانه‌های جمعی قادرند از طریق کاهش میزان احساس بی‌عدالتی و ناامنی در افراد، تقویت میزان مشارکت اجتماعی آنان، کاهش میزان خانواده‌گرایی (اولویت دادن منافع خانوادگی بر منافع جمعی)، همسو ساختن باورهای دینی با سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اجتماعی و تقویت باورهای اخلاقی افراد موجب پایداری بیشتر افراد به التزام به قانون، رعایت حقوق سایر شهروندان، اعتماد به دیگران و پرهیز از اعمال خشونت نسبت به دیگران شوند و در نهایت، بر افزایش میزان گرایش به نظم اجتماعی در جامعه تأثیرگذار باشند.

### تفاوت بین شهرها

تفاوت‌های موجود بین این سه شهر نشان می‌دهد، در حالی که ساکنان لندن، میزان احساس بی‌عدالتی را بسیار کم ارزیابی کرده‌اند و در بمبئی نیز این احساس در حد متوسط است، در تهران با شدت این احساس روبه‌رو هستیم، این موضوع جای تأمل دارد زیرا با وجود تمامی تلاش‌هایی که در راه کاهش فاصله طبقاتی صورت گرفته و طرح‌هایی که برای توزیع مناسب ثروت در جامعه به اجرا درآمده، اکثر ساکنان تهران احساس مطلوبی در این زمینه ندارند و بر این باورند که در جامعه «عدالت به معنای واقعی» آن تحقق نیافته است. تلاش رسانه‌های جمعی برای کاهش احساس بی‌عدالتی در جامعه از جمله وظایف مهم آنهاست.

در مورد «احساس ناامنی» نیز موضوع قابل تأمل است، کمترین میزان احساس ناامنی در بمبئی به چشم می‌خورد. در این شهر، حتی ثروتمندان از دزدگیر، قفل‌های ضدسرقت یا نرده‌های غیر قابل عبور در منازل استفاده نمی‌کنند و به صورت عینی دیده شده که اغلب خودروها بدون اینکه مجهز به امکاناتی خاص باشند، در خیابان‌ها پارک می‌شوند و صاحبان آنها در این زمینه هیچ گونه نگرانی ندارند. این وضعیت تا حدی مشابه وضعیت شهروندان لندن است، اگر چه در لندن عملکرد پلیس را باید در حفاظت از شهر و کنترل دقیق آن مؤثر دانست، در تهران، میزان احساس ناامنی از دو

شهر دیگر بیشتر است و از این رو، لازم است رسانه‌های جمعی در راه کاهش این احساس، تلاش گسترده‌ای به عمل آورند. تولید برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی به گونه‌ای که موجب ارتقای احساس امنیت در شهروندان شود و پرهیز از ارائه برنامه‌هایی که به موارد خاص مربوط می‌شود و ممکن است اضطراب و نگرانی را افزایش دهد، از جمله این پیشنهادهاست.

یکی از مهم‌ترین وجوه تمایز این شهرها را می‌توان در خانواده‌گرایی ساکنان آنها جستجو کرد. این مفهوم در ایران معنای خاص خود را دارد زیرا این باور مطرح است که ایرانی‌ها نه فردگرا هستند و نه جمع‌گرا به معنای رایج آن در ادبیات جامعه‌شناسی، بلکه گزینه میانه‌ای برای آنان اولویت دارد که آنان را «خانواده‌گرا» می‌سازد. میزان خانواده‌گرایی در تهران، بیش از هر دو شهر دیگر است، البته این موضوع می‌تواند در مبحث مرتبط با خانواده به عنوان گرایش مطلوب قلمداد شود اما در بحث از نظم اجتماعی نباید آن را پدیده‌ای مثبت قلمداد کرد، بویژه آنکه در این بحث، درک منافع جمعی جامعه و توجه به مصالح عمومی آن حایز اهمیت است، در حالی که خانواده‌گرایی می‌تواند، اثر مخربی بر این امر داشته باشد. توجه رسانه‌های جمعی به این موضوع و تولید برنامه با توجه به اولویت منافع جمعی بر منافع خانوادگی اهمیت بسیار دارد. در واقع، از رسانه‌های جمعی انتظار می‌رود که از دریچه نگاه به خانواده و باورهای مرتبط با آن به پدیده‌های اجتماعی بنگرند و از این ویژگی به عنوان یک فرصت مطلوب استفاده کنند. از دیگر عواملی که بر نظم اجتماعی در این شهرها مؤثر واقع می‌شود، «شدت باورهای دینی» است، در حالی که ساکنان لندن، دارای کمترین شدت در این زمینه هستند، شهروندان بمبئی بالاترین میزان را به خود اختصاص می‌دهند. در تهران با وضعیت بینابینی روبه‌رو هستیم، از این موضوع می‌توان نتیجه گرفت که در بمبئی، اعتقادات دینی در رفتارهای اجتماعی مردم نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و بسیاری از رفتارهای موافق نظم اجتماعی، تحت تأثیر باورهای دینی شکل می‌گیرد، نوعی «تقدیرگرایی» یا تسلیم شدن در برابر آنچه خداوند برای افراد مقدر کرده است، در عمق آموزه‌های دینی هندویسم وجود دارد، در حالی که در کشورهای شمال اروپا، این اعتقادات چندان تعیین‌کننده نیست این در حالی است که در لندن با اقلیت‌های گوناگون دینی نیز روبه‌رو هستیم اما می‌توان گفت که این نوع باورها در رفتار اجتماعی

ساکنان این شهر تأثیر چندانی ندارد. از این رو، رسانه‌های جمعی به جای تأکید روزافزون بر پارامترها و عوامل دینی لازم است بر عوامل اخلاقی و ارزش‌های عام‌تر متمرکز شوند و از این طریق، گام مؤثری در راه تحکیم نظم اجتماعی بردارند. این در حالی است که در تهران، اکثر مردم به اصول و مبانی دینی اعتقاد دارند و در صورتی که برنامه‌هایی مناسب با تکیه بر این باورها تهیه شود، می‌تواند اثری بسیار مطلوب بر تحکیم نظم اجتماعی در جامعه داشته باشد.

در پایان، راهکارهای زیر به عنوان سرفصل‌های اصلی برنامه‌سازی رادیویی و تلویزیونی پیشنهاد می‌شود:

۱. تلاش در راه کاهش میزان احساس بی‌عدالتی در شهروندان از طریق: توزیع عادلانه ثروت در جامعه، برابری فرصت‌های شغلی، قانونمند ساختن ضوابط پیشرفت در جامعه و برخورد قاطع با متخلفان و متجاوزان به حقوق مردم.
۲. تلاش در راه کاهش میزان احساس ناامنی در شهروندان از طریق: برقراری امنیت هر چه بیشتر در شهر، برخورد قاطع با عاملان ایجاد ناامنی در هر موقعیت شغلی، توجه خاص به امنیت زنان و کودکان و رفع تنگناهای فیزیکی در محیط شهری برای ایجاد احساس امنیت.
۳. تلاش در راه افزایش میزان مشارکت اجتماعی شهروندان از طریق: سهیم کردن آنان در اتخاذ تصمیم‌ها، فعال ساختن شوراهای و انجمن‌های شهری، اصلاح قوانین با هدف جذب شهروندان به حضور در عرصه‌های تصمیم‌گیری و رفع موانع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در این زمینه.
۴. استفاده مطلوب از جایگاه نهاد خانواده به منظور تحکیم نظم اجتماعی از طریق: جامعه‌پذیر ساختن کودکان و نوجوانان در خانواده، تقویت اخلاق شهروندی، ارتقای سطح دانش و تحصیلات اعضای خانواده بویژه زنان و فراهم آوردن تسهیلات لازم برای ازدواج و کاهش عوامل مؤثر بر طلاق.
۵. تلاش در راه همسو ساختن قواعد نظم اجتماعی با ارزش‌های دینی از طریق: پررنگ ساختن نقش اهداف در مقابل دین، تقویت التزامات عملی در برابر ظواهر دینی، تأکید بر ارزش‌های جهان‌شمول دینی و پذیرش فهم متکثر و چندگانه از دین.
۶. تلاش در راه تقویت باورهای اخلاقی جامعه از طریق: رفع معضلات زیربنایی مانند بیکاری، دقت در انتخاب صحیح مسئولان رده‌های بالا،

توجه خاص به نهادهای خانواده، آموزش و رسانه و استفاده از روش‌های تشویقی در برابر تنبیهی.

### پی‌نوشت‌ها

۱. شاخص برازندگی تطبیقی (CFI). مقدار آن بر پایه قرارداد باید دست‌کم ۹۰ درصد باشد تا مدل مورد نظر پذیرفته شود. در این مدل به مقدار یاد شده دست یافته‌ایم.

شاخص برازندگی (GFI). این شاخص بستگی به حجم نمونه ندارد و نشان می‌دهد که مدل تا چه حد نسبت به فقدان آن برازش بهتری دارد. این شاخص نسبت به سایر شاخص‌های برازندگی اغلب بزرگ‌تر است، برخی از پژوهشگران نقطه برش ۹۵ درصد را برای آن پیشنهاد کرده‌اند. بر پایه قرارداد، مقدار این شاخص باید برابر یا بزرگ‌تر از ۹۰ درصد باشد تا مدل مورد نظر پذیرفته شود. در مدل ارائه شده، این شاخص در حد مطلوب است.

شاخص تعدیل‌یافته برازندگی (AGFI). این شاخص نیز مانند شاخص GFI باید بزرگ‌تر از ۹۰ درصد باشد تا مدل مورد نظر پذیرفته شود که نتایج محاسبات آماری آن را تأیید می‌کند.

شاخص نرم شده برازندگی (NFI). مقادیر NFI برابر یا بزرگ‌تر از ۹۰ درصد در مقایسه با مدل صفر، به عنوان شاخص مطلوب برای برازندگی مدل‌های نظری توصیه شده است. در پژوهش حاضر این شاخص از مطلوبیت لازم برخوردار است.

شاخص جدر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA). مقدار این شاخص که در واقع همان آزمون انحراف هر درجه آزادی است، برای مدل‌هایی که برازندگی مطلوب داشته باشند کمتر از ۰/۰۵ است. مقادیر بالاتر از آن تا ۰/۰۸ نشان دهنده خطای معقولی برای تقریب در جامعه است. مدل‌هایی که آنها ۰/۱۰ یا بیشتر باشد، برازش ضعیفی دارند.

### منابع

- ایمان، محمدتقی. (۱۳۹۰). معیارهای اخلاقی در پژوهش‌های علوم انسانی. فصلنامه اخلاق، ۱۶.
- بیات، فریبرز. (۱۳۸۳). اخلاق و نظم اجتماعی پایدار. مجموعه مقالات اولین همایش ملی طرح مسائل جامعه‌شناسی ایران. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- پوراسماعیلی، علیرضا. (۱۳۹۰). اخلاق‌گرایی نه قانون‌گرایی. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۲۷.
- چلبی، مسعود و رسول‌زاده، صمد. (۱۳۸۱). آثار نظم و تضاد خانواده بر خشونت علیه کودکان. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۴ (۲).
- چلبی، مسعود. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم. تهران: نی.
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۷). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شادمانی در سطوح خرد و کلان. مجله جامعه‌شناسی، ۱۰.

- حبیبی، مهدی. (۱۳۸۹). شاخص‌های فرهنگی توسعه و ارزیابی فرهنگ. تهران: پژوهشگاه تحقیقات استراتژیک.
- ربانی، رسول. (۱۳۸۸). بررسی موانع فرهنگی - اجتماعی توسعه با تأکید بر خاص‌گرایی. فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، دانشگاه اصفهان.
- سراج‌زاده، حسین. (۱۳۸۳). بررسی تعریف عملیاتی دینداری در پژوهش‌های اجتماعی. تهران: طرح نو.
- شیخی، محمد. (۱۳۸۹). نقش مدیریت شهری در کنترل آسیب‌های ناشی از اسکان غیررسمی و حاشیه‌نشینی. کتاب ماه علوم اجتماعی، ۳۲.
- صارمی، حمیدرضا. (۱۳۸۹). عوامل پیدایش ناامنی در شهرها. فصلنامه مطالعات شهر، ۱.
- ظفری، حسین. (۱۳۹۰). واکاوی عوامل مؤثر بر جلب مشارکت مردمی. فصلنامه روستا، ۱۳۵.
- عبداللهی، محمد و مروت، برزو. (۱۳۸۴). هویت جمعی غالب در بین دانشجویان دانشگاه‌های شهر سنندج. فصلنامه علوم اجتماعی، ۳۲.
- عریضی، حمیدرضا. (۱۳۸۹). تحلیلی بر جامعه‌شناختی بر احساس عدالت. فصلنامه علوم اجتماعی، ۵۱.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۸). تقویت اخلاق شهروندی، راهی برای گذار به مردم‌سالاری مشارکتی. مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۳ (۲).
- کاشی، غلامرضا. (۱۳۸۴). نقش شکاف‌انداز تجربیات نسلی در ایران. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۶.
- کلمن، جیمز. (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی (ترجمه منوچهر صبوری کاشانی). تهران: نی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۳). پیامدهای مدرنیت (ترجمه محسن ثلاثی). تهران: مرکز.
- مظلوم خراسانی، محمد. (۱۳۹۰). بررسی میزان مشارکت اجتماعی در تعاونی. جامعه‌شناسی کاربردی، ۴۴.
- مک کوئیل، دنیس. (۱۳۸۰). نظریه ارتباطات جمعی (ترجمه پرویز اجلالی). تهران: مرکز.
- ملایی توانی، علیرضا. (۱۳۸۱). ریشه‌های نابسامانی نظم در ایران. تهران: گسترده.
- نبی‌زاده، سیما. (۱۳۸۴). بی‌عدالتی در فرصت‌های آموزشی. زن در توسعه سیاست، ۱۳.
- Shah, D. (1998). **Civic Enganement, Interpersonal Trust and Television Use, Political Sociology**, Vol. 19, No. 3.